

مقایسه اسلام اجتماعی جنبش فتح‌اله گولن با اسلام سیاسی رجب طیب اردوغان

مهدی صیادشیرازی^۱، فرزاد محمدی^۲

چکیده

جنبش گولن یکی از برجسته‌ترین جنبش‌های اجتماعی فرهنگی در جهان اسلام و خاورمیانه معاصر است. شالوده این جنبش، که رگه‌هایی از سنت اسلام‌گرایی میانه‌رو و متساهل آناتولی را در خود دارد، بر بازخوانی و تولید و بازتولید مبانی هویتی اسلام استوار است. این جنبش در برخی مفاهیم همچون نوع‌ثمنی‌گری، ناسیونالیسم ترکی، توسعه و دانش دارای اشتراکاتی با اندیشه اسلام سیاسی اردوغان می‌باشد. اردوغان با انتخاب مفهوم دیگری از اسلام (اسلام سیاسی) تضاد خود را در اندیشه و رویکرد با گولن نشان داده است. هدف اصلی مقاله پیش‌رو در وهله اول کمک به شناخت هرچه بیشتر فتح‌اله گولن بعنوان یکی از چهره‌های برجسته جهان اسلام و اردوغان بعنوان یک جریان موفق اسلامی در سطح منطقه و یک الگوی موفق تلفیق اسلام و مدرنیته در صحنه سیاسی جامعه ترکیه می‌باشد. لذا به نظر می‌رسد شناخت ریشه‌های فکری و ایدئولوژیک آنان به ویژه جریان فکری گولن برای سایر جوامع اسلامی که در حال رشد و تکمیل نمودن فرآیندهای اجتماعی و سیاسی خود می‌باشند نیز مفید باشد. فرضیه مقاله بر این مبناست که گولن و اردوغان در برخی مفاهیم بنیادین دارای اشتراکات و افتراقاتی می‌باشند، گولن متأثر از سعید نوری و اردوغان متأثر از نجم‌الدین اربکان برای اداره جامعه اسلامی دو تفسیر گوناگون از آموزه‌های اسلام را دارند. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی می‌باشد و سعی دارد اندیشه‌های فتح‌اله گولن و رجب طیب اردوغان را در حوزه اسلام اجتماعی و اسلام سیاسی مورد واکاوی و تحلیل قرار دهد.

واژگان کلیدی: اسلام اجتماعی، اسلام سیاسی، گولن، اردوغان، ترکیه

^۱ دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه عالی دفاع ملی

^۲ کارشناسی‌ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان Farzad_mu@yahoo.com

مقدمه

گفتمان گولن با رهیافتی واقع‌گرا و عمل‌گرا، به دنبال آن است تا با کاربست نرم‌افزارهای قدرت، خوانشی ملایم، میانه‌رو و سکولار از اسلام به دست دهد. این حزب در برخی مفاهیم همچون نوع‌ثمنی‌گری، ناسیونالیسم ترکی، توسعه و دانش دارای اشتراکاتی با اندیشه اردوغان می‌باشد. اردوغان با انتخاب مفهوم دیگری از اسلام (اسلام سیاسی) تضاد خود را در اندیشه و رویکرد با گولن نشان داده است. در این مقاله آنچه که بعنوان ابهام می‌توان بیان نمود؛ این است که باتوجه به روابط نزدیک و اولیه آنها و اعتقادات مشترک به برخی از اصول، چرا در رویکردهای اخیر این چنین واگرا گشته‌اند و حتی نسبت به یکدیگر حالت تخصص پیدا نموده‌اند. اشتراکات و افتراقات آنها چه بوده است که شکاف اختلافات آنها (اسلام‌گرایان مطرح در جامعه ترکیه: گولن و اردوغان) در حوزه‌های اندیشه‌ای و رویکردی عمیق‌تر گشته است؟ آنچه که باید در نظر داشت این است که هر دو آنها از دو جریان مختلف فکری در ترکیه تأثیر پذیرفته‌اند ولی اردوغان در ادامه با فاصله گرفتن از آموزه‌های مکتب خود (اربکان) به سمت دیدگاه‌های گولن نزدیک گردیده و برخی از اعضا و هم‌حزبی‌های او نیز به شدت تحت تأثیر تعلیمات آن جریان فکری قرار گرفته‌اند، ولی باتوجه به رویکردهای داخلی و منطقه‌ای در سالیان اخیر، دچار نوعی تفاوت دیدگاه گشته‌اند. اردوغان سعی نموده با انتخاب رویکردی سیاسی نسبت به مبانی و آموزه‌های اسلام، نوعی واکنش‌گرایی را در جامعه ترکیه و حتی جهان اسلام از خود نشان دهد. این اختلافات در رویکرد حتی در حوزه اندیشه و بینش سیاسی اجتماعی آنها نیز بطور ملموسی تأثیرگذار بوده است. درست است که این دو جریان در برخی از مفاهیم بنیادی با یکدیگر دارای اشتراکاتی هستند ولی اردوغان سعی نموده با انتخاب اسلام سیاسی، رویکردی عمل‌گرا را برای خود برگزیند. علت این امر را باید با بررسی تاریخی دیدگاه‌ها، اندیشه‌ها و قرار دادن آنها در جریان‌ات و وقایع سیاسی اجتماعی مورد بررسی قرار دهیم و نقاط ابهام را تحلیل نماییم. این مقاله سعی می‌کند به صورت هدفمند و نظامند دو جریان مطرح در جامعه ترکیه (اردوغان و گولن) را واکاوی کرده و آنها را تحلیل نماید. ترکیه یکی از کشورهای تأثیرگذار و متمدن در جهان اسلام و منطقه به حساب می‌آید لذا بررسی و واکاوی جریان‌های اندیشه‌ای و سیاسی مهم موجود در فضای حاکم در این کشور می‌تواند باعث الگوبرداری نقاط قوت و نشان دادن نقاط ضعف و دوری از آنها و مقایسه با سایر نظام‌های حاکم در منطقه، در راستای رسیدن به یک عدالت اجتماعی کامل اسلامی گردد. این مقاله برخلاف تحقیقات دیگر سعی کرده با دیدی جامع‌تر به اندیشه‌ها و عملکرد آنها بپردازد و اشتراکات و افتراقاتشان را بررسی و نمایی از حیات آینده آنها را در جامعه اجتماعی ترکیه ترسیم کند. سوال اصلی را می‌توانیم این چنین بیان کنیم که مهم‌ترین تفاوت‌ها و شباهت‌های فکری و نظری اردوغان و گولن در رابطه با نقش اسلام در اداره جامعه چه مواردی هستند؟ و سوالات فرعی را که می‌توان به آن پرداخت از این قبیل مطرح نمود: بحران اصلی که باعث گردید آنها به

جریان مذهبی توجه داشته باشند و محور خود قرار دهند، چیست؟ تفسیر و تحلیل آنها از مبانی و اصول اسلام در حوزه جامعه و عدالت اجتماعی و سیاست چه می‌باشد؟ راهکارهای مطرح شده آنها در خصوص یک سیستم نوین و مدرنیته باتوجه به تعالیم اسلام چیست؟

هدف از انجام این مقاله در وهله اول کمک به شناخت هرچه بیشتر فتح‌اله گولن بعنوان یکی از چهره‌های برجسته جهان اسلام و اردوغان (حزب عدالت توسعه) بعنوان یک جریان موفق اسلامی در سطح منطقه و یک الگوی موفق تلفیق اسلام و مدرنیته در صحنه سیاسی جامعه ترکیه می‌باشد. لذا به نظر می‌رسد شناخت ریشه‌های فکری و ایدئولوژیک آنان به ویژه جریان فکری گولن برای سایر جوامع اسلامی که در حال رشد و تکمیل نمودن فرآیندهای اجتماعی و سیاسی خود می‌باشند نیز مفید باشد.

۱- تاریخچه اسلام‌گرایی در ترکیه

ترکیه سنت مذهبی پیچیده و خاصی دارد؛ طیفی از سنت‌های پیش از اسلام تا اسلام سنی و از اقلیت‌های کوچک مسیحی ارتدوکس و یهودیان و گروه‌های علوی، شیعه و غیره را شامل می‌شود. باتوجه به جهان‌گشایی‌های امپراتوری عثمانی در سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا، سرزمین پهناور عثمانی دربرگیرنده گروه‌های مختلف مذهبی، ملی و قومی بود. مسلمانان، مسیحیان و یهودیان گروه‌های اصلی دینی این ۳۳ امپراتوری را تشکیل می‌دادند؛ و هریک از آنها نیز به فرقه‌ها و گروه‌های گوناگون تقسیم می‌شدند (Rabasa, 2008: 7)؛ یکی از عوامل گسترش اسلام‌گرایی در ترکیه، ایجاد نظام سیاسی چندحزبی در سال ۱۹۴۶ در راستای فرایند انقلاب دموکراتیک در قرن بیستم، بود؛ با ایجاد این نوع نظام سیاسی، حزب جمهوری خواه خلق (بعنوان حزبی که گفتمان کمالیسم را به تصویر می‌کشید)، موقعیت انحصاری خود را در قدرت سیاسی از دست داد؛ پس از این تاریخ، احزاب سیاسی مجبور بودند تا برای رسیدن به قدرت سیاسی به رقابت با احزاب دیگر پردازند و به همین دلیل، اسلام به عاملی مهم در جذب آراء تبدیل شد؛ در این راستا، حزب دموکرات که برای ایدئولوژی کمالیسم، ارزش کمتری قائل بود، توانست بیشترین آراء را به دست‌آورد؛ در حقیقت هدف این حزب، مشروعیت بخشیدن دوباره به اسلام و ارزش‌های سنتی در قوانین رسمی ترکیه بود (Mardin, 1973: 169-190)؛ بنابراین طی نظام چندحزبی گروه‌های مذهبی توانستند خود را دوباره سازمان‌دهی کنند (امام‌جمعه‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۲). یکی دیگر از عوامل رشد اسلام‌گرایی در ترکیه، تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی ایران بوده است. همچنین به نظر می‌رسد عاملی دیگر که بر گسترش اسلام‌گرایی در ترکیه تأثیرگذار بوده، اصلاحات اقتصادی و سیاسی انجام شده در زمان نخست‌وزیری تورگوت اوزال در اواسط دهه ۱۹۸۰ باشد که بر تقویت گروه‌های اسلامی در جامعه ترکیه اثرگذار بوده، زیرا حرکت از اقتصاد

دولتی به اقتصاد آزاد و خصوصی‌سازی به آزادی‌های مدنی نیاز داشت؛ این آزادی‌های مدنی، باعث رشد نسبی احزاب، جنبش‌های مدنی و مطبوعات شد و به تدریج زمینه را برای مطرح شدن مباحثی درخصوص عناصر اسلام سیاسی درون حوزه‌های عمومی فراهم آورد (واحدی، ۱۳۸۴: ۲۲۵-۲۳۷)؛ بنابراین به نظر می‌رسد که مجموعه‌ای از تغییرهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، باعث تقویت موقعیت سیاسی گروه‌های اسلام‌گرا در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ در ترکیه شد (امام جمعه‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۲). در مجموع دولت‌های ناکارآمد، اقتصاد ناسالم، مشروعیت پایین، عدم رعایت حقوق بشر، سرکوب مخالفین و فقر از جمله عوامل بسترساز داخلی در تقویت جریان‌های اسلام‌گرا نظیر جنبش گولن محسوب می‌شوند، عواملی که در دهه ۸۰ میلادی موجب افزایش نارضایتی از اقدامات حکومتی شده بود. در چنین شرایطی اسلام‌گرایی با رویکرد گولن با اقبال زیادی مواجه گردید در حالیکه این جریان فاقد تشکیلات و عملکرد واحدی بوده است. به موازات قدرت یافتن این گروه اشکال گوناگونی از اسلام‌گرایی در حال ظهور و تکوین بوده‌اند (Keskin, 2009: 90)؛ برای جریان اسلام‌گرایی ترکیه می‌توان دوره‌های متفاوت زیر را در نظر گرفت:

دوره نخست، از ۱۹۲۳ تا ۱۹۵۰، دوره فعالیت سری اسلام‌گرایان: در این دوران که با آغاز حکومت آتاترک (۱۹۲۳ تا ۱۹۳۸) و حکومت جمهوری خواهان تا ۱۹۵۰ مصادف است، محدودیت‌های شدیدی برای اسلام‌گرایان به اجرا درآمد که از همین‌رو، به دوره اسلام‌زدایی معروف شد.

دوره دوم، از ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰: این دوره، دوره احیا و آغاز فرایند بازگشت اسلام‌گرایی به عرصه‌های اجتماعی است که با پذیرش دموکراسی چندحزبی و روی کار آمدن حزب دموکرات و دو حزبی شدن عرصه سیاسی ترکیه و نخست وزیر عدنان مندرس (۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰) آغاز شد. در دوره وی، فرایند دموکراسی‌سازی گسترش یافت و فضای بازی برای گروه‌های دینی ایجاد شد که در نتیجه، دستیابی به آزادی‌های حداقلی نظیر فعالیت مدارس دینی را برای اسلام‌گرایان در پی داشت (Rabasa & Larabee, 2008: 35).

دوره سوم، از ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰، موج اول اسلام‌گرایی: اسلام‌گرایان سیاسی در این دوره فعالیت چشمگیری را از خود به جا گذاشتند و با تشکیل احزاب و مطبوعات و ... رسماً وارد فضای اجتماعی سیاسی ترکیه شدند. از جمله مولفه‌های مهمی که در این دوره باعث شدت یافتن فعالیت‌های اسلام‌گرایان گردید، وقوع انقلاب اسلامی در ایران بود که به مثابه متغیری قدرتمند توانست شتاب قابل توجهی به گرایش‌های اسلام‌خواهانه ترکیه دهد. در حقیقت می‌توان این دوره را اوج جریان اسلام‌گرایی در ترکیه دانست که در قالب اسلام سیاسی به عرصه آمده بود (نوروزی فیروز، ۱۳۹۲: ۲۰-۱۹).

دوره چهارم، از ۱۹۹۰ تاکنون، موج دوم اسلام‌گرایی: در این دوره شاهد روی کار آمدن قرائتی نو از اسلام با عنوان اسلام اجتماعی هستیم که امروزه بر فضای اسلام‌گرایی ترکیه حاکم است.

جمهوری لائیک ترکیه در سال ۱۹۲۳ تأسیس شد. در این زمان ترکیه کوشید با دوری از هویت اسلامی خود، ردای هویت غربی و تمدن غربی را بر تن کند؛ غافل از اینکه هویت تمدنی مسأله‌ای نیست که با اجبار و زور سرنیزه قابل تغییر باشد. شکست دولت عثمانی در جنگ‌های ۱۹۱۲ و ۱۹۱۳ م موجب تغییر گستره تمدنی ترکیه شد. بر این اساس پس از فروپاشی عثمانی و بر سر کار آمدن ترکیه جدید به رهبری «کمال آتاترک»، کمالیست‌ها بسیار کوشیدند تا منبع هویتی جدیدی برای پایه‌گذاری ترکیه نوین ایجاد کنند تا با الهام از آن، به سمت ترقی و تمدن پیش روند و به شیوه‌ای افراطی به حذف اسلام از جامعه ترکیه، اقدام کردند (گلی زواره، ۱۳۷۷: ۱۶۴). بر این مبنا کمالیسم را می‌توان بعنوان گفتمانی ضدسیاسی و دولت محور تعریف کرد که ادعا می‌کند جامعه ترکیه و حوزه عمومی قلمروی همگن هستند و به همین دلیل این ایدئولوژی از نمایش بازمودهای سیاسی متفاوت و متمایز تنفر دارد. ارتش ترکیه که به صورت محافظ کمالیسم عمل می‌کند، کارگزار اصلی نهادینه‌سازی کمالیسم بعنوان ایدئولوژی به شمار می‌رود (Cizre- Sakallioğlu, 1997)؛ بطور کلی می‌توان گفت اقدامات اسلام‌ستیزانه کمالیست‌ها همزمان با غرب‌گرایی شدید در ساختارهای جامعه ترکیه باعث آزردن انسان‌هایی شد که هنوز دارای باورهای شدید مذهبی بودند؛ برخی از این اقدام‌های ضداسلامی کمالیست‌ها عبارت بودند از: الغای سیستم خلافت دینی، تشکیل محاکم استقلال، انجام تغییرهای دولتی در کلیه امور مربوط به دین، تغییر اجباری پوشش مردم، ۳۵ حذف آموزش دینی از جامعه و تعطیلی کلیه مراکز علمی و آموزشی دینی، حذف کلیه قوانین اسلامی و جایگزین کردن قوانین کشورهای دیگر در ترکیه. بدین ترتیب اسلام‌گرایی در ترکیه احیا شد. اما اسلامی که مورد توجه قرار گرفت، هدف اصلی آن جامعه و اجتماع، سازمان‌های مردمی و نهادهای موجود در راه کسب و ارتقاء عدالت اجتماعی بود. خاستگاه اصلی این دیدگاه ترکیه و اندیشه‌های گولن می‌باشد. این دیدگاه با جدیت تمام درصدد جمع میان سنت و تجدد است. سازش اسلام و مدرنیته که مفروض اصلی این جنبش است، توانسته در ترکیه و برخی از کشورهای اسلامی منطقه توجه بسیاری را به خود معطوف داشته و سطح فعالیت خود را در مقیاس جهانی تعریف نماید. آنها اسلام مطروحه را یک اسلام متساهل و روامدار می‌دانند و ایمان‌گرایی بیش از شریعت‌گرایی را مورد توجه قرار می‌دهند و اعتقاد دارند پرداختن به امورات مدنی و اجتماعی مانند: خدمت‌رسانی، آموزش و ... می‌تواند چهره واقعی اسلام را بیشتر به نمایش بگذارد و جامعه را به هدف و غایت اصلی خود در کسب موفقیت‌ها پیش ببرد. از دهه ۱۹۹۰ در ترکیه رشد جریان اسلام‌گرایی اجتماعی را که به اسلام میانه‌رو موسوم است، شاهد هستیم. این جریان ریشه در اندیشه‌های بدیع‌الزمان سعید نوری دارد که امروزه فتح‌اله گولن رهبری آن را عهده‌دار است و تنها جریانی است که داعیه‌دار رهبری تمدن اسلامی از طریق ارائه الگویی منسجم و عمل‌گرایانه با عنوان اسلام ترکی می‌باشد. با روی کار آمدن

این جریان، شاهد تضعیف قرائت سیاسی از اسلام و در نتیجه، تضعیف توجه به انقلاب اسلامی در میان اسلام‌گرایان هستیم (نوروزی، ۱۳۹۱: ۱۷).

۲- گولن (اسلام اجتماعی)

همانطور که می‌دانیم یکی از علل رشد اسلام‌گرایی در ترکیه، اقدامات اسلام‌ستیزانه نظام لائیک این کشور بود. این اقدامات در مقابله با اسلام‌گرایی سیاسی سبب شد، بسیاری از اسلام‌گرایان به این نتیجه برسند که رویکرد اربکانی به فعالیت‌های اسلامی، با شکست مواجه خواهد شد و بسیار هزینه‌بردار است؛ لذا به سراغ قرائت‌هایی از اسلام رفتند که چندین دهه در برابر اسلام‌گرایی سیاسی فعالیت می‌کرد و به اسلام‌گرایی اجتماعی و یا میانه‌رو موسوم بود. رهبری این جریان را فتح‌اله گولن برعهده داشت (نورالدین، ۱۳۸۲: ۱۹۴). پیروان گولن که فتح‌اله چی نامیده می‌شوند امروزه بزرگترین گروه دینی ترکیه به شمار می‌آیند. گولن از مشاهده روحیات و رفتار غرب‌گرایانه مردم (ادرنه) شگفت زده شد و کوشید با زندگی ساده و زاهدمنشانه خود سرمشقی برای دیگران باشد. گولن سخنوری چیره دست است (انتخابی، ۱۳۹۲: ۳۲۱). جنبش فتح‌اله گولن در مرحله رشد جنبش‌ها و طریقت‌های دینی در ترکیه، یعنی در دهه ۸۰ قرن بیستم میلادی، سربرآورد. پس از کودتای نظامی به رهبری کنعان اورن در سال ۱۹۸۰ و تصمیماتی که دولت نظامی او در باب آزادی اقتصاد، خصوصی‌سازی مطبوعات و فراهم آوردن فرصت‌های کاری بیشتر برای سازمان‌های غیردولتی و از جمله سازمان‌ها و جماعت‌های دینی اعلام کرد، طریقت‌های دینی نیز رو به شکوفایی نهادند. در این میان، طریقت نوریه هم به دست گولن احیا شد (فلاح، ۱۳۸۹: ۲۲۲-۲۰۵). جنبش گولن شامل مدارس، دانشگاه‌ها، موسسه‌های حرفه‌ای و کاری و حتی ایستگاه‌های رادیویی و تلویزیونی است. تعداد مدارس گولن در داخل ترکیه ۳۰۰ مدرسه و در کل دنیا بیش از ۱۰۰۰ مدرسه می‌باشد که در بیش از ۶۰ کشور از تانزانیا گرفته تا چین و از ترکمنستان تا مغرب و مصر و فیلیپین گسترش یافته است. در کل، ۳۴ هزار محصل در مراکز آموزشی فتح‌اله گولن مشغول تحصیل‌اند و به صورت منعطف و ارگانیک با شخص وی در ارتباط هستند. همه مدارس گولن در تمام نقاط دنیا آموزش به زبان انگلیسی دارند و یکی از مشخصه‌های فارغ‌التحصیلان این مدارس تسلط کامل به زبان انگلیسی است. آنها همچنین به زبان ترکی بسیار توجه دارند و هر ساله المپیاد زبان ترک را برگزار می‌کنند. کیفیت آموزشی بالای این مدارس موجب شده نه تنها ترک‌تبارها و مسلمانان، بلکه افراد بومی کشورهای مختلف اعم از مسیحی یا پیروان ادیان دیگر نسبت به ثبت نام فرزندان خود در این مدارس اقدام کنند (روزنامه نیوزویک، ۲۰۰۹). از جمله بنیادهای اندیشه‌ای گولن این است که او دشمنان امت اسلامی را جهل، فقر و تفرقه و راه مقابله با آنها را دانش، کوشش و اتحاد می‌داند. او بر آن است که جمع میان حقیقت، معرفت، تربیت و دانش پایه‌های اصلی سعادت‌اند و این جمع در توازن میان

ایمان، دانش، دل و عقل حاصل می‌شود. فقدان دانش را منشأ تعصب و تقلید و فقدان دین را منشأ شبهه و انکار می‌داند. برای رفع دغدغه‌های کنونی مسلمانان به این امر قائل است که: «راه‌حل نه چنانچه در غرب مطرح است، در فکر و عقل صرف است و نه آنگونه که در شرق مطرح است، در قلب و روح. بلکه راه‌حل در تربیت متکی بر روشنگری عقلی-فکری-قلبی و در عمل متکی بر بخشش و اتحاد است نه تفرقه». فتح‌اله گولن همانند نرسی جریان اسلام‌گرایی را از مجاری فرهنگی و اجتماعی پیگیری می‌کند و چندان علاقه‌ای به دخالت مستقیم در سیاست ندارد (قهرمان‌پور، ۱۳۹۰: ۱۰۴). بسیاری از مطبوعات جهان غرب، گولن را رهبر جنبش اجتماعی اسلامی قومیت‌گرا و غیرستیزنده با غرب می‌دانند که آینده خاورمیانه را به سوی اسلام اجتماعی جهت می‌دهد، اما مخالفان گولن معتقدند که او بیشترین خطر را برای لائیسیته ترکیه دارد و او را متهم می‌کنند که از طریق اسلامی‌سازی فعالیت‌های اجتماعی، در پی ریشه‌کنی بنیاد لائیک دولت ترکیه است. گولن معتقد به ترویج اسلام از سطح فردی به سطح اجتماعی را انتخاب کرده و این هدف را با استفاده از شیوه پایین به بالا است و به دیگر بیان سه نهاد قدرتمند تعقیب می‌کند: موسسات آموزشی، رسانه، بازار (نوروزی فیروز، ۱۳۹۲: ۳۹)

با نزدیک شدن به اواخر دهه ۹۰ در تصور گولن در هویت تحولاتی به وجود آمد. گولن در دهه ۸۰ تأکیدش بیشتر بر هویت اسلامی ملی‌گرایانه بود. او آمریکا را بد و شر می‌دانست. لیکن حضور پیروان گولن در غرب ۳۷ رفته‌رفته بر این تصورات تأثیر گذاشت. او همچنین خودش نیز به غرب رفت و آمدهایی داشت. نکته‌ای که در آمریکا مورد تمجید گولن قرار گرفت این بود که جامعه آمریکا چگونه توانسته همزیستی گروه‌های مختلف در کنار یکدیگر را ایجاد کند. به این ترتیب یکی از انتقاداتی که در جنبش اسلامی گولن نسبت به فرآیند غربی‌سازی در ترکیه صورت گرفت این بود که چرا کارگردانان این فرآیند به ارزش‌هایی مانند تساهل، مدارا و همزیستی عمل نکردند. اینگونه بود که ارزش‌هایی مانند تسامح و گفتگو نیز در دهه ۹۰ به گفتمان فتح‌اله گولن اضافه شدند. بر این مبنا آنها مدینه‌النبی را بعنوان مکانی مطرح ساختند که ادیان مختلف در آن در کنار یکدیگر همزیستی داشتند (کدیور، ۱۳۸۶: ۵۴). جنبش فتح‌اله گولن امروزه وارد مرحله‌ای نو شده است. در گذشته این جنبش از طرف دولت ترکیه طرد می‌شد و اکثر کشورهای منطقه‌ای و حتی غربی به آن تردید داشتند، اما این وضعیت در حال تغییر است، چون حزب عدالت و توسعه از نظر مبانی فکری و همچنین روابط سازمانی به جنبش فتح‌اله گولن بسیار نزدیک است. محافل سکولار جامعه ترکیه، از جمله ارتش ترکیه به این باور رسیده‌اند که جنبش گولن به کشورهای اسلامی منطقه از جمله ایران و عربستان وابسته نیست و همچنین اسلامی غیرسیاسی را ترویج می‌دهد و کشورهای غربی و حتی اسلامی منطقه هم برای دوری از موج رادیکالیسم اسلامی، اندیشه و پارادایم اسلام اجتماعی فتح‌اله گولن را بعنوان پارادایمی

قابل اطمینان و مدرن می‌پذیرند و موانعی برای گسترش آن به وجود نمی‌آورند (فلاح، ۱۳۸۹: ۲۲۲). این جنبش در ترکیه در حال تبدیل شدن به یکی از بزرگترین شبکه‌های اسلام‌گرا در جهان می‌باشد و مطرح شدن نام گولن و ارتباطات خاص آن با حزب عدالت و توسعه در هنگامه برگزاری انتخابات شوراها و ریاست جمهوری ترکیه طی سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ به یکی از خبرسازترین موضوعات مذهبی و سیاسی ترکیه مبدل شد که طی آن بسیاری از ابعاد موضوعی جنبش و همچنین عملکرد آن آشکار گردید (نکویی و موسوی، ۱۳۹۳: ۱۱۵). باید اشاره داشت جامعه اسلامی مطلوب گولن جامعه دوران چهار خلیفه اول مسلمانان است چراکه از دید وی از طریق انتخابات آزاد برگزیده شده بودند. از نظر وی در اسلام جایی برای استبداد و خودکامگی وجود ندارد و پس از آنان که رهبری جوامع اسلامی در دست سلاطین قرار گرفت بخاطر این بود که از محتوای دموکراتیک و اسلامی خود تهی شده بودند. گولن درباره جنسیت رهبر اسلامی اشاره مختصری دارد که در صدر اسلام تمایزی وجود نداشته است چراکه عایشه همسر پیامبر اکرم (ص) رهبری نظامی را برعهده داشته است اما از آنجا که مسئله زنان از مسائل اصلی دیدگاه وی نمی‌باشد با پیروی از مشی محافظه‌کارانه، بحث بیشتری ارائه نمی‌کند. وی درباره نقش زنان در صدر اسلام معتقد است که اسلام به هیچ وجه مانع فعالیت زنان در بیرون از خانه نبوده است و در آن زمان ظلمی علیه زنان واقع نمی‌شد اما با شیوه فمینیسم غربی نیز که آن را واکنشی همراه با دشمنی نسبت به مردان می‌داند، مخالف است (نوازی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۶۸).

۳۸

۳- اردوغان (اسلام سیاسی)

اردوغان رهبر حزب عدالت و توسعه بوده است. اسلام‌گرایان حزب عدالت و توسعه یک شاخه از پدیده اربکان هستند؛ ولی نگرش آنها به مسائل سیاسی به کلی با برداشت اربکان متفاوت است. حزب عدالت و توسعه یک حزب اسلام‌گرای پیشرفته و معتقد به اصول سکولاریسم و لائسیسم در ترکیه است. پس از وقوع کودتای سفید علیه اربکان و به دنبال انحلال حزب فضیلت، اعضای اصلاح‌طلب و نواندیش آن، به رهبری رجب طیب اردوغان از حزب مذکور منشعب شده و حزب جدیدی به نام عدالت و توسعه را در ۱۴ اوت سال ۲۰۰۱ تشکیل دادند. این حزب بر سکولار بودن دولت ترکیه تأکید داشته ولی با حذف نمادهای مذهبی از اماکن عمومی، مانند ممنوعیت حجاب زنان در اماکن دولتی، مخالف است (جلالی، ۱۳۹۱: ۷۸-۷۷). این حزب به شجره‌نامه احزاب جنبش اسلامی وابسته است که با حزب نظام ملی در سال ۱۹۷۰ آغاز و با حزب سلامت ملی در ۱۹۷۲، حزب رفاه در ۱۹۸۳ و حزب فضیلت در ۱۹۹۸ تداوم یافت. در دوره حزب فضیلت جناح تجدیدنظرطلبی به رهبری عبدالله گل به وجود آمد، ولی در انتخابات ریاست حزب که در ۱۴ مه ۲۰۰۰ برگزار شد و برای اولین بار در یک حزب اسلامی اتفاق می‌افتاد، با کسب ۵۲۱ رأی در مقابل ۶۳۳ رأی از رجایی

کوتان، رهبر حزب، شکست خورد. در این میان اربکان از کوتان و اردوغان از عبدالله گل حمایت می‌کردند. هنگامی که در ۲۲ ژوئن ۲۰۰۱ حزب فضیلت منحل اعلام شد، شکاف داخلی در درون جناح اسلامی بیشتر شد. طرفداران کوتان، حزب سعادت را در ۲۵ ژوئیه ۲۰۰۱ و تأیید کنندگان اردوغان حزب عدالت و توسعه را در ۱۴ اوت ۲۰۰۱ تأسیس کردند. هر دو حزب، نمایندگان حزب منحل شده فضیلت را تقسیم کردند، ۴۸ نماینده به حزب سعادت و ۵۱ نماینده به حزب عدالت و توسعه پیوست. رهبران حزب عدالت و توسعه، اغلب دارای آموزش دینی محافظه‌کارانه هستند. این رهبران واجبات دینی همچون نماز و روزه را انجام می‌دهند و همسران اغلب آنها با حجاب می‌باشند. بر این اساس حزب عدالت و توسعه از پویش‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ترکیه و از دل "حزب رفاه" برآمد، این حزب توانست با ارائه الگوی عملی موفق و جلب اعتماد مردم، راه خود را از طریق شوراها و شهرداری‌ها به سوی مجلس و دولت و ریاست جمهوری باز کند و با کمترین تنش به قدرت حاکم در ترکیه امروز تبدیل شود. آنچه مسیر فعالیت و راهبرد این حزب را برجسته می‌کند، قدرت انعطاف فعالان این حزب در انطباق با شرایط درونی ترکیه و تحولات پیرامونی آن است؛ بگونه‌ای که هرگز در بند نام حزبی نیفتادند. رهبران این حزب از جمله رجب طیب اردوغان، توانستند به خوبی رهبری این حزب را به عهده گرفته و آن را به قدرت برسانند. بدین ترتیب ردپایی که "حزب رفاه" در اداره شهرداری‌ها به جای گذاشت، موجب روی آوری مردم به اسلام‌گرای "حزب عدالت و توسعه" در ۳۹ اکثر شهرهای ترکیه برای اداره شهرهای این کشور شد و عملکرد موفق آنان باعث شد تا این حزب به رهبری رجب طیب اردوغان در انتخابات مجلس سال ۲۰۰۲ به پیروزی قاطع دست یافته و با ۳۴/۲ (سی و چهار و دو درصد) درصد آرا و کسب اکثریت قاطع کرسی‌های مجلس، یعنی سیصد و شصت و چهار کرسی از پانصد و پنجاه کرسی، اداره مجلس و دولت را به دست گیرد. بدین منوال حزب عدالت و توسعه توانست با اتخاذ دیدگاه‌های معتدل و غیرایدئولوژیک و بدون نیاز به ائتلاف با سایر احزاب، موفق به تشکیل دولت شود. از زمانی که این حزب قدرت را در دست گرفته است تاکنون درصدد تشکیل حکومت اسلامی نبوده است. به نوعی می‌توان گفت که آنها بیشتر سکولار هستند تا اسلام‌گرا، چون مذهب را به امور فردی و شخصی منحصر کرده و حاضر نیستند احکام اسلام را در جامعه ترکیه پیاده کنند. (جلالی، ۱۳۹۱: ۷۸-۷۷). اسلام سیاسی اردوغان در قالب حزب عدالت و توسعه، بعنوان گفتمان جدید اسلام‌گرایی در ترکیه ظاهر شد و همانطور که قبلاً هم ذکر شده در قالب حزب عدالت و توسعه وارد رقابت سیاسی شد. تغییر ایدئولوژیکی و اتخاذ گفتمان‌های سیاسی متفاوت از طرف حزب عدالت و توسعه به گسترش جاذبه و حمایت سیاسی حزب کمک شایانی کرد. اتخاذ پیام سیاسی عمل‌گرا و میان‌رو از جانب حزب عدالت و توسعه بدون تردید در موفقیت انتخاباتی حزب در انتخابات سال ۲۰۰۲ م موثر بود. اما عوامل دیگری نیز نقش داشتند. اولین عامل؛ عملکرد

مخرب اقتصاد ترکیه بود، ارزش پول رایج ترکیه چندین بار کاهش یافت، بخش بانکداری ویران شد و افت اقتصادی به میزان ۹/۵ درصد در سال ۲۰۰۱ م، بی‌سابقه بود. دومین عامل موثر، فساد بود. حزب عدالت و توسعه توانست از نارضایتی عمومی نسبت به کشف فساد در جریان غالب احزاب سکولار بهره‌برداری کرده و خود را بعنوان حزب «دولت پاک» معرفی کند. حزب عدالت و توسعه همچنین از افول گرایش چپ ترکی در اوایل دهه ۱۹۹۰ م، سود برد. حزب عدالت و توسعه (و قبل از آن حزب رفاه) در پر کردن خلاء ناشی از زوال تفکر چپ به ویژه در مناطق کارگری موفق بود. بیشترین دستاورد حزب عدالت و توسعه در بین مهاجران جدید در حومه مناطق شهری بود. گروهی که امروزه اکثریت نسبی را در نواحی شهری ترکیه تشکیل می‌دهند. آنها مردمانی متدین و از نظر اجتماعی محافظه‌کار هستند که جذب هیچ یک از احزاب سکولار-چپ و راست-نشدند (سلیمانی و عبادی، ۱۳۹۵: ۹۸). حزب عدالت و توسعه در مانیفست انتخاباتی خود در سال ۲۰۱۱ با اشاره به اینکه در ترکیه باید احزاب گوناگون با دیدگاه‌ها و سلايق متنوع تشکیل شوند، تأکید می‌کند: ما باید زمینه را برای کلیه شهروندانی که می‌خواهند حزب تشکیل دهند، تسهیل کنیم؛ تمامی این احزاب که توسط مردم تشکیل شده‌اند، می‌توانند لوایح و برنامه‌های خود را بنا بر سلايق خاص خود ارائه دهند و باید امکان فعالیت سیاسی مناسب برای آنها فراهم شود. روشن است که برنامه‌های حزبی و مواضع انتخاباتی، به دلیل اینکه هنجارهای اجتماعی در آنها بیان می‌شود، شاخص‌های مناسبی از انتظارات مشترک ارزشی در یک جامعه از رفتار دولت‌مردان در سیاست داخلی و خارجی محسوب می‌شوند. بر این اساس رهبران حزب عدالت و توسعه در مواضع و برنامه‌های خود همواره تأکید کرده‌اند که برنامه‌های حزبی، یک روش بسیج حمایت رأی دهندگان به شمار می‌رود و به رأی دهندگان این امکان را می‌دهد تا اهداف حزب را شناسایی کنند و تفاوت احزاب با یکدیگر را بازبایند. بدین ترتیب رهبران حزب عدالت و توسعه در یک دهه گذشته، تلاش کرده‌اند تا از طریق ارائه برنامه‌های انتخاباتی به شناسایی بیشتر خود به خارج حزب و بسیج آرای عمومی برای حزب خود اقدام کنند. بدین ترتیب رهبران اسلام‌گرای ترکیه، با توجه به تأثیری که هنجارهای کل جامعه بر انتظارات رفتاری رهبران سیاسی دارد، همواره سعی کرده‌اند با توجه به این هنجارها، برنامه‌ها و سیاست‌های خود را تنظیم کنند، چون نتایج انتخابات حزبی در سال‌های ۲۰۰۲، ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱ که بیانگر تمایل اکثریت مردم ترکیه به برنامه‌ها و مواضع حزبی حزب عدالت و توسعه بود، به حزب مزبور این امکان را داد تا با توجه به میزان حمایت جامعه ترک از این حزب، رفتار متناسب خود در عرصه سیاست داخلی و خارجی را تنظیم کند (اقبال، ۱۳۹۲: ۳۴-۳۸). حزب عدالت و توسعه خود را «حزب دموکراتیک محافظه‌کار» معرفی می‌کند، اما درباره سرشت واقعی برنامه حزب عدالت و توسعه و بررسی دقیق میزان اعتبار آنها، هنوز فعالیت‌ها در جریان است. اردوغان، ادعای رهبری جنبش «دموکرات‌های مسلمان» را دارد؛ تقریباً شبیه دموکرات‌های مسیحی در اروپای غربی که در آن، مذهب پیشینه‌ای فرهنگی است تا اینکه بخش فعالی از

برنامه سیاسی باشد. درباره اینکه آیا این دیدگاه نشانگر صورت واقعی از ترکیب جدید در سیاست ترکیه است یا تاکتیکی برای جلوگیری از سنگربندی قدرت سکولارها از جمله ارتش و محدودیت‌های قانونی علیه تفکر سیاسی مذهبی، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد (سلیمانی و عبادی ۱۳۹۵: ۱۰۴). قرائت حزب عدالت و توسعه از اسلام ریشه در دو عامل ریشه‌ای جغرافیای سیاسی و اجتماعی ترکیه دارد. ترکیه در حد واسط کشورهای غربی و جهان اسلام واقع شده است. این کشور نه مانند کشورهای اسلامی همچون ایران، عراق، عربستان و غیره در قلب جهان اسلام واقع شده و نه مانند کشورهای اروپای غربی و ایالات متحده در عمق استراتژیک جهان غرب استقرار یافته است. همجواری ترکیه با جهان غرب و اسلام سبب شده تا طور همزمان متأثر از دو جبهه باشد (افضلی و متقی، ۱۳۹۰: ۱۸۳). حزب عدالت و توسعه علیرغم داشتن ریشه‌های اسلامی - بسیاری از رهبران شامل اردوغان و گل از درون جنبش دیدگاه ملی سر بیرون آورده بودند و از اعضای احزاب سعادت و رفاه بودند - خود را نه بعنوان حزب اسلامی، بلکه حزب دموکراتیک محافظه‌کار همانند احزاب دموکرات مسیحی در اروپای غربی معرفی می‌کند. این مسئله نشانگر تغییر ایدئولوژیکی مهمی بود. بطور سنتی، هویت سیاسی اسلامی از طریق مخالفت با غرب شکل می‌گرفت و بعنوان موجودیتی که باید طرد و یا با آن مخالفت شود، ارزیابی می‌شد (سلیمانی و عبادی، ۱۳۹۵: ۹۵). آنچه حزب عدالت و توسعه و تجربه این حزب را در ارتباط با شکاف‌های اجتماعی حائز اهمیت می‌سازد، تلاش این حزب برای گسترش ۴۱ حوزه فعالیت حزبی از دایره شکاف حول گروه‌های اسلام‌گرا و سکولار به سمت پوشش دادن سایر شکاف‌های فعال در این کشور یعنی شکاف‌های قومی، مذهبی و اقتصادی است. حزب عدالت و توسعه در راستای تبدیل شدن به حزب فراگیر تلاش دارد از طریق ارائه دستورالعمل و برنامه حزبی مشخصی، شکاف‌های مختلف جامعه ترکیه را نمایندگی کرده و در مقام حزب حاکم از تعمیق و گسترده شدن آنها و نهایتاً تضعیف و چندپاره شدن این جامعه جلوگیری کند (سلیمانی و عبادی، ۱۳۹۴: ۱۱۷-۱۱۶). حزب عدالت و توسعه در مرحله اول یعنی از زمان به قدرت رسیدن در سال ۲۰۰۲ م تا ۲۰۱۰ تلاش کرده پایگاه اجتماعی و انتخاباتی خود را بر مبنای شکاف اصلی یعنی شکاف حاشیه مرکز تطبیق داده و به تثبیت قدرت سیاسی خود در عرصه سیاسی ترکیه بپردازد. در مرحله دوم یعنی از سال ۲۰۱۰ و بویژه انتخابات سراسری ۲۰۱۱ حزب درصدد تبدیل شدن به یک حزب فراگیرست؛ همین هدف، حزب عدالت و توسعه را متوجه دیگر طبقات اجتماعی و شکاف‌های اجتماعی موجود در جامعه ترکیه کرد. در این راستا حزب عدالت و توسعه اقدام به گنجاندن دغدغه‌ها و مطالبات اقتصادی، فرهنگی و هویتی طبقه حاشیه‌نشین شهری همچون: حمایت‌های اقتصادی و مالی و حمایت از حقوق فرهنگی و مذهبی همچون حمایت از لغو قانون ممنوعیت حجاب در دانشگاه‌ها و گسترش مدارس مذهبی امام خطیب در دستورالعمل‌های حزبی به منظور جلب نظر این طبقه فقیر اما

تاثیرگذار، کرده است (همان، ۱۳۹-۱۳۸). در مجموع می‌توان گفت حزب عدالت و توسعه توانسته با مدیریت هوشمندانه شکاف‌های اجتماعی این کشور، ضمن تثبیت جایگاه سیاسی خود و جلب آرای طبقه حاشیه‌نشین در انتخابات محلی ۲۰۱۴ و همچنین انتخابات سراسری ۲۰۱۵ و گسترش پایگاه اجتماعی اش فراسوی شکاف مزبور پردازد. به بیان دیگر، هرچند طبقه اصلی حامی حزب را طبقات پایین شهری و روستایی تشکیل می‌دهند اما کسب آرای قابل توجه در مناطق توسعه‌یافته غرب ترکیه نشانگر حرکت حزب عدالت و توسعه در پرکردن شکاف اقتصادی - جغرافیایی این کشور است. با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، ترکیه نقشی فعال و اعتدالی در منطقه ایفا کرده است (از جمله در: ۱) منازعه فلسطینی - اسرائیلی، ۲) اعزام نیرو به مأموریت ناتو در افغانستان، ۳) مشارکت در نیروهای اعزامی سازمان ملل به لبنان، ۴) حضور بعنوان یک قدرت در سازمان کنفرانس اسلامی، ۵) شرکت در چندین کنفرانس اتحادیه عرب، ۶) ایجاد روابط نزدیک‌تر با ایران، عراق و سوریه، ۷) بهبود و ارتقا روابط با بیشتر کشورهای عرب و مسلمان. این رویکرد اعتدالی را می‌توان به وضوح در قبال بهار عربی نیز مشاهده کرد. ترکیه سعی دارد با استفاده از شرایط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی به ایجاد ساختارهای چندجانبه‌ای پردازد که در نهایت به استحکام ثبات در منطقه و افزایش منافع این کشور منجر شود. در راستای همین اندیشه است که ترکیه در جهت ایجاد و حفظ ثبات و صلح در مناطق مختلف اقدام می‌کند. در زمان به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه نیز اسلام‌گرایان تلاش کردند ضمن توسعه روابط با جهان اسلام، به یکی از اصول اساسی سیاست خارجی کشور ترکیه یعنی رابطه متوازن با اعراب و اسرائیل پایبند باشند. اسلام‌گرایان ترکیه با درک واقعیات منطقه‌ای و جهانی و با نگاه به منافع ملی کشور خویش و در جهت ارتقای قدرت این کشور، تلاش کردند ترکیه را به بازیگری مهم در خاورمیانه و روند صلح آن تبدیل کنند. تا جائیکه فلسطینیان، سوریه، اعراب، اروپا، آمریکا، سازمان ملل و حتی اسرائیل از ایفای نقش ترکیه در این روند استقبال کردند. در این دوران، زمامداران ترکیه مبتنی بر نگاهی واقع‌گرایانه، چون دوره پیش از خود و با عنایت به موقعیت مکانی ترکیه که بر توانایی‌های ملی و سمت‌گیری‌های سیاست خارجی آن کشور اثر می‌گذاشت، ضمن توجه بیشتر به خاورمیانه، استقلال عمل بیشتری در سیاست خارجی خود در مواجهه با غرب و آمریکا - در عین همکاری - نشان دادند.

۴۲

۴- تشابهات اسلام اجتماعی و اسلام سیاسی

۴-۱- تمایلات اسلام‌گرایانه

تمایلات اسلام‌گرایانه و تمسک به ایدئولوژی اسلامی از جمله شباهت‌ها و از بارزترین وجوه مشترک گولن و اردوغان می‌باشد. گرچه این دو در برخی موارد تلقی‌های متفاوتی در نظر و یا عملکرد داشته‌اند اما در مجموع آنچه اندیشه‌های آنها را قابل مقایسه می‌نماید گرایش به اسلام است. از مهمترین اهداف گولن ارائه الگوی

تمدنی برای جهان اسلام با اتکا به عمل‌گرایی اسلامی با استناد به قرآن و سنت پیامبر (ص) و خلق جهانی مدرن و نو از قرآن و احادیث و سنت و پیگیری تفکر تشکیل امت اسلامی بوده است؛ گرچه امت اسلامی در نگاه گولن، مسلمانان ترک می‌باشند، نه اتحاد کشورهای اسلامی (نوروزی فیروز، ۱۳۹۲: ۳۷-۳۶). اردوغان نیز با وجودی که در گفتمان خود از سمبل‌های اسلامی استفاده نمی‌کند، به برخی مسائل اسلامی حساسیت نشان می‌دهد. در این راستا باید اشاره کرد که اسلام بعنوان یک منبع، دارای تفاسیر مختلفی است و ارجاع به مذهب می‌تواند در سطح شخصی، به معنای دینداری فردی، یا در سطح اجتماعی و دولتی صورت گیرد، بطوریکه هر فردی سعی دارد اجتماع خود را با اصول اسلامی وفق دهد. بطور مشخص، اسلام برای همه اسلام‌گرایان بعنوان یک منبع محسوب می‌شود (امام جمعه‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۴۷).

۲-۴- قبول دین در حوزه خصوصی

گولن معتقد است که دولت، ضرورتی ندارد شریعت یا قوانین اسلامی را بکار گیرد. او به این مسأله اشاره می‌کند که بیشتر قوانین و احکام اسلام درباره زندگی شخصی انسان‌هاست و فقط بخش کوچکی از آنها به حکومت و کشورداری مرتبط می‌شود. او معتقد است که دسته دوم را لازم نیست به اجرا بگذاریم، زیرا مذهب موضوعی شخصی است و الزامات آن را نباید بر همه تحمیل کرد. گولن آن بخش از احکام اسلامی را که بطور مستقیم با حکومت و کشورداری مربوط می‌شود، مانند احکام و قوانین مربوط به مالیات و جنگ و درگیری‌ها، در بطن واقعیت‌های معاصر می‌نگرد. گولن معتقد است بهترین شکل حکومت آن است که دموکراتیک باشد و از همین‌رو از رژیم‌های ایران و عربستان سعودی انتقاد می‌کند. اردوغان معتقد است که اسلام نمی‌تواند مرجعی برای برنامه‌های سیاسی باشد، بلکه اسلام تنها در سطح شخصی و فردی می‌تواند به یک مرجع تبدیل شود، بنابراین این اصول دموکراسی و قانون است که می‌تواند بعنوان یک مرجع مورد پذیرش، واقع شود؛ لذا موضوع‌هایی مانند مسئله حجاب و مدارس دینی امام خطیب را باید در همین حوزه آزادی‌های فردی تفسیر کرد.

۳-۴- دیدگاه چندوجهی

آبشخور درک اردوغان از محافظه‌کاری یک برداشت رایج سه وجهی است: خانواده، عثمانیسم و پارسایی. این سه وجهی در اصول فکری جماعت اسلامی فتح‌اله گولن خود را به نمایش می‌گذارد اما می‌توان این سه وجهی را از مشترکات اسلام‌گرایی محافظه‌کارانه ترکیه دانست. احساس پارسایی در عین تأکید بر ملاحظات دینی در حوزه فردی، به اسلام به مثابه روح و فرهنگی جامعه ساز باور دارد. بنا به درکی فراگیر و مشترک در میان رهبری حزب، بدون اسلام اخلاقیاتی وجود ندارد و اسلام شرط لازم بنای جامعه‌ای اخلاقی است.

۴-۴- اعتقاد به سازش‌پذیری دین و دموکراسی

در اینباره می‌توان اشاره کرد که از آنجایی دو اندیشمند، هم به مفاهیم مدرن و هم به اسلام معتقد بوده‌اند، در زمینه سیاست، تلقی مدرن ارائه داده‌اند و این مسأله از دیگر وجوه اشتراک اینان محسوب می‌گردد. از دیدگاه گولن اسلام و دموکراسی سازش‌پذیرند؛ گولن حامی حکومت دموکراتیک است و استدلال می‌کند. دموکراسی موثرترین و شایسته‌ترین شکل حکومت در جهان امروزی است. او عقیده دارد که دموکراسی و اسلام سازش‌پذیرند. گولن در کنار ضرورت دولت و دموکراسی بعنوان یک پروسه‌ای که متناسب با نیازهای زمانی جوامع تعمیق گردد، از آموزش دینی در دموکراسی هم دفاع می‌کند و در پروسه آموزش نقش مهمی به دین می‌دهد. از دید او ترس از خدا فقط می‌تواند برخی از ناهنجاری‌های اجتماعی و جرم‌ها را در یک جامعه کنترل کند و می‌تواند تسهیل‌کننده نظم و امنیت در جامعه باشد. اما این هم از دید او به معنی عدم احتیاج به قانون، نظم و دادگاه و پلیس نیست، بلکه اینها نیز وجودشان برای جامعه ضروری است. اینجاست که گولن تبدیل دوره مذهبی اختیاری را به اجباری از سوی کنعان اورن را از اقدامات و سیاست مفید او در دهه ۱۹۸۰ می‌داند (فلاحیت پیشه و ولدبیتی، ۱۳۹۲: ۱۰۳). اردوغان نیز، دین و دموکراسی را با یکدیگر متضاد نمی‌داند و درصدد است مدل دموکراسی اسلامی را ارائه دهد. در این مدل که در ترکیه در حال ارائه است؛ دین و مدرنیته؛ دین و سیاست در کنار هم قرار دارند (صبری و صولت، ۱۳۹۱: ۹۰). در دیدگاه اردوغان، دین در امور اجرایی و سیاست‌گذاری دولت بطور مستقیم دخالت ندارد، اما دولت به باورهای دینی افراد و گروه‌ها احترام می‌گذارد و آنها آزاد خواهند بود مطابق اعتقادات دینی خود در اجتماع رفتار کنند. گفتمان اردوغان جامعه را به صورت واحدی هماهنگ از تفاوت‌ها و تمایزها تعریف می‌کند و از روابط قدرت در فراسوی حوزه رسمی میان کردها و ترک‌ها، مردان و زنان، مسلمانان و مسیحیان، و ... چشم‌پوشی و تنها روی حوزه سیاسی تمرکز می‌کند (امام جمعه‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۵۳-۱۵۲).

۴۴

۴-۵- سیاست تسامح و عنایت به اقلیت‌ها (در حوزه عدالت سیاسی)

در گفتمان گولن بر این امر تصریح می‌شود که این امکان وجود دارد که انسان‌ها با یکدیگر گفتگو کنند. دلیل آنها این است که بین انسان‌ها ارزش‌های مشترکی وجود دارد و وجود این ارزش‌های مشترک خود معلول آن است که همه انسان‌ها مخلوق خدایی واحد هستند. این ارزش‌ها ارزش‌هایی اسلامی هستند و از آنجا که اسلامی دینی جهانشمول است، این ارزش‌ها نیز جهانشمول هستند. به نظر آنها تسامح نیز به این معناست که بین گروه‌های اجتماعی گوناگون و همچنین در سطح بین‌المللی برپایه ارزش‌های مشترک همکاری وجود داشته باشد. حین این همکاری تفاوت‌هایی برجا می‌ماند اینجاست که تسامح اهمیت خود را می‌یابد (کدیور، ۱۳۸۶). اردوغان بعنوان یکی از رهبران حزب عدالت و توسعه نیز در تعامل با گروه‌ها و جریان‌های گوناگون

در داخل اعم از قومی، نژادی و مذهبی نیز سعی کرده است با استفاده از ابزارهای مناسب و یک مشی عقلایی با تمامی این گروه‌ها، بطور مسالمت‌آمیز به نتیجه مطلوب برسد. از سوی دیگر، ترکیه در عرصه سیاست خارجی نیز با اتکا به افکار عمومی، تعامل با سایر کشورها را در پیش گرفته است. در داخل ترکیه افکار عمومی بعنوان یک شاخص هنجار اجتماعی، در اصلاح قانون اساسی نیز مورد توجه جدی بوده است. بازنگری قانون اساسی و برگزاری رفراندوم در سه مرحله در سال‌های ۲۰۰۷، ۲۰۱۰، ۲۰۱۱ که با هدف محدود ساختن نفوذ نظامیان و محاکم قضایی لائیک در روند سیاسی کشور صورت گرفت، بیانگر توجه رهبران اسلام‌گرای حزب عدالت و توسعه به افکار عمومی بوده است. حزب عدالت و توسعه از روزهای قبل از رسیدن به قدرت تا به امروز، همواره بر اجرای قانون اساسی بعنوان نهادی که می‌تواند تدابیر مناسب را در جهت تعدیل و تطابق منافع متفاوت برای رسیدن به سیاست‌های مشترک ایجاد کند، تأکید می‌کند؛ زیرا قانون اساسی با ایجاد الگوهای اخلاقی، بر اولویت‌ها و کنش‌های اعضای جامعه تأثیر می‌گذارد. حزب عدالت و توسعه قبل از به قدرت رسیدن در سال ۲۰۰۲، در برنامه‌های حزبی خود با اشاره بر تشکیل دولت مبتنی بر حاکمیت قانون، تأکید می‌کند (اقبال، ۱۳۹۳: ۴۰).

۴-۶- مخالفت با برپایی دولت اسلامی و وفاداری به سکولاریسم

۴۵

سیاسی نمودن مذهب از دید گولن امری تقلیل‌گرایانه است زیرا ارتباط رمزآلود و معنوی میان انسان و پروردگار را به حد ایدئولوژی تقلیل می‌دهد. او در اینباره می‌نویسد: «مذهب رابطه‌ای میان مردم و پروردگار است. حس مذهبی در اعماق قلب زنده می‌ماند، چنانچه اشکال آن را نشان دهید به معنی آن است که آن را خواهید کشت، سیاسی نمودن مذهب پیش از آسیب زدن به حیات حکومتی، به مذهب زیان می‌رساند» (نوازی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵۷). از نظر او مذهب نخست بر جنبه‌های تغییرناپذیر زندگی و وجود متمرکز می‌شود در حالیکه نظام‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ایدئولوژیکی تنها بر جنبه‌های خاص تغییرپذیر اجتماعی زندگی دنیوی ما توجه می‌نمایند. اردوغان بارها نسبت به جمهوری سکولار ترکیه اظهار وفاداری کرده است. این حزب در مقایسه با احزاب به شدت سکولار ترکیه دارای گرایش اسلامی است، اما این گرایش تنها به حفظ حرمت دین در حوزه شخصی و مدنی محدود می‌شود و در دستگاه دولت تبلوری ندارد (سنایی، ۱۳۸۹: ۱۶۵).

۴-۷- تأکید بر تجدد و تکنولوژی و آموزش

یکی از موارد مشترک گولن و اردوغان این بوده است که هر دو بر تجدد، مدرنیسم و علم و آموزش تأکید داشته‌اند. گولن طرفدار آن نوع آموزشی است که موجب پیوستگی با جهان مدرن می‌شود. او آموزش با کیفیت

با ارزش‌های اسلامی ترکی را، راه خدمت مسلمانان به جامعه خود می‌دانست. در ۱۹۹۰ جهت‌گیری او جهانی‌تر شد. او بر جنبه‌های جهانشمول اخلاق اسلامی تأکید و گروه‌های وسیع‌تری را جذب کرد. پیروان او بر آن بودند که این نوع آموزش راهی است که ترکیه می‌تواند در کنار ادغام در جهانی شدن، هویت خود را نیز نگه دارد. آنها می‌گفتند آموزش به برقراری ارتباط با افراد دیگر و حل اختلافات کمک می‌کند (کدیور، ۱۳۸۶). هدف اصلی جنبش گولن ایجاد جامعه اسلامی متعهد و در عین حال مترقی و برخوردار از علم معرفت و فناوری جدید است تا بدین طریق دوران تفوق جهان غرب بر جهان اسلام به سر آید. امروزه نام فتح‌اله گولن با اصطلاح اسلام روشنگر یا معتدل ترک گره خورده است، چرا که او با هوادارانش جنبش دینی - سیاسی مدرنی را تأسیس کردند که با پیوند دادن مدرنیته و دین‌ورزی و ناسیونالیسم و تسامح و مردم-سالاری، اسلام و ناسیونالیسم و آزادی‌خواهی را در کانون واحدی گردآورده است (فلاح، ۱۳۸۹: ۲۲۲-۲۰۵). اسلام سیاسی اردوغان نیز درصدد بوده است، تعریف جدیدی از همزیستی عملی اسلام و تجدد در جامعه ترکیه ارائه دهد. این گفتمان مقایسه اسلام و لائسیسم را رد می‌کند و معتقد است که اسلام دین است، اما لائسیسم یک شیوه مملکت‌داری است و نباید میان این دو خلط کرد (امام جمعه‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۵۲-۱۵۳). اردوغان معتقد بود در مواجهه با مدرنیته و سنت، باید ضمن پرهیز از نگاه عاطفی به آن، با یک تفکر عقلایی برخورد کرد. بدین معنا که آنچه که از تجربه تمدن غرب قابل استفاده است، باید فرا گرفت و بکار بست و آنچه بعنوان میراث فکری جهان اسلام به ما رسیده است، باید پس از پالایش و زنگارزدایی، بکار بست (اقبال، ۱۳۹۳: ۳۹). به‌زعم اردوغان جایگاه ارزش‌های غربی، به شکل احترام به فرد و در محور قرار دادن فرد در عرصه اجتماع و دفاع از آزادی و دموکراسی در عرصه سیاسی خود را می‌نماید. حتی در مسئله‌ای مانند حجاب بانوان، از جایگاه دفاع از حقوق شهروندی به آن می‌نگرد نه از جایگاه دفاع از حقوق اسلامی. بطور کلی در این رابطه می‌توان گفت اسلام‌گرایان ترکیه سعی کردند ایده‌آل‌های دینی خود را در چارچوب ادبیات جهانی مانند حقوق بشر و انواع آزادی‌ها بازتعریف کنند. عامل مهمی که در این تغییر شکل‌دهی جنبش اسلام‌گرایی نقشی اساسی داشت، انتظارات و نیازهای بورژوازی در حال رشد بخش‌های مختلف منطقه آناتولی بود که منافعشان بطور مستقیم با بازارهای اتحادیه اروپا گره خورده بود (امام جمعه‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۴۶). حزب عدالت و توسعه از زمان شکل‌گیری در سال ۲۰۰۱ م، بیش از پیش بر ارزش‌های سیاسی غربی نظیر دموکراسی، احترام به حقوق بشر و حاکمیت قانون در گفتمان عمومی خود تأکید می‌کرد. در عین حال این حزب، غرب به ویژه اتحادیه اروپا را هم‌پیمانی مهم در مبارزه علیه محدودیت‌های دولت کمالیستی می‌دید، در حالیکه اسلام‌گرایان ترکیه در گذشته هدف غرب از دنبال کردن اصلاحات دموکراتیک بیشتر را، تلاشی برای تحمیل ارزش‌های بیگانه به جامعه ترکیه می‌دانستند. حزب عدالت و توسعه، دستورالعمل‌های غربی را بیش از پیش در همپوشانی با برنامه‌های خود می‌دید. این حزب، عضویت در اتحادیه اروپا را ابزاری

در جهت کاهش نقش نظامیان و ایجاد ساختار سیاسی تلقی می‌کرد که تساهل مذهبی را گسترش داده و بقای حیات سیاسی حزبی را تضمین می‌کند (سلیمانی و عبادی، ۱۳۹۵: ۹۵). در عرصه سیاست خارجی، ارزش‌های غربی به شکل تلاش برای عضویت در اتحادیه اروپا رخ می‌نماید. رهبران حزب معتقدند ورود به اروپا با ذوب شدن در آن متفاوت است، می‌توان جزئی از اروپا شد ولی در آن حل نشد.

۴-۸- نوع‌ثمانی‌گری

عثمانی‌گرایی جدید با یک شیوه سکولاریسم میانه‌رو در داخل و یک دیپلماسی فعال در سیاست خارجی همراه است. در این رویکرد، شیوه رفتاری ترکیه بر مبنای قدرت هنجارهای سیاسی، اقتصادی، دیپلماسی، فرهنگی و نفوذ در سرزمین‌های امپراتوری عثمانی است. گولن امیدوار است که ارتباط میان مذهب و دولت بار دیگر مانند دوره عثمانی که رهبران زندگی خصوصی خود را بر مبنای احکام اسلامی تنظیم می‌کردند، احیا شود. چنین رهیافتی از دید وی باعث تقویت دولت و بدین‌سان حفاظت از جامعه از طریق بسط و گسترش دادن مشروعیت دولت و تقویت توانایی‌اش برای بسیج توده‌ها خواهد شد. اردوغان طی بازتعریف اصول و مبانی مفهوم عثمانی‌گری، با اثرپذیری از رویکرد کمالیسم، رویکردی را در پیش گرفت می‌توان آن را عثمانی‌گرایی نامید. عثمانی‌گرایی در عرصه سیاست خارجی سبب شد جمهوری ترکیه برای خود عنوان رهبر منطقه‌ای و کشور الگو را در منطقه خاورمیانه قائل شده و نیز برای خود نقش تمدنی بازیابی اقتدار دوران امپراتوری عثمانی را تعریف کند. حزب عدالت و توسعه با نمایندگی اردوغان به دنبال ارائه نسخه جدید امپراتوری مسلمان عثمانی، هماهنگ با فضای زمانی و مکانی گسترش یافته دوران مدرنیته است. بر این اساس اروپایی شدن و هماهنگی با تمدن غرب را نه یک اصل پایدار بلکه یک اصل ناشی از مصلحت می‌داند (دهقانی، ۱۳۹۱: ۲۶۷).

۴-۹- عمل‌گرایی

گولن با استناد به حدیث شریف: «بهترین شما کسی است که بیشتر به مردم سود برساند» می‌گوید: می‌خواهم کسی باشم که برای منفعت مردم تلاش می‌کند. در این میان تأکید وی بر تجربه انبیا و اندیشمندان بزرگ اسلامی است. او می‌گوید قرآن، ابراهیم پیامبر را یک امت معرفی می‌کند؛ زیرا ابراهیم تمام تلاش خود را برای نجات مردم و انسانیت بکار گرفت. او برای این هدف حاضر شد به میان آتش برود. از سویی دیگر بر این باور است که استفاده از نهادهای مدنی برای برقراری ارتباط با ملت، موفقیت این ارتباط را تضمین می‌کند (نورالدین، ۱۳۸۲: ۱۹۸). جلوه‌های عمل‌گرایی اردوغان نیز در سه محور عمده می‌توان تبیین نمود: اول، ایجاد

توازن در روابط خارجی؛ دوم، گسترش روابط اقتصادی خارجی و فعال شدن دیپلماسی اقتصادی؛ و سوم، استفاده چشمگیر از قدرت نرم در سیاست خارجی ترکیه (عطایی و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۳).

۴-۱۰- ناسیونالیسم ترکی

از جمله شباهت‌های دیگر گولن و اردوغان ناسیونالیسم ترکی است. از جمله اهداف گولن، بطور همزمان، اسلامی کردن ایدئولوژی ناسیونالیستی ترکیه و ترکی کردن اسلام است. گولن، منادی نسخه ترکی اسلام است. وی معتقد است فهم مردم آناتولی از اسلام از فهم دیگران به ویژه عرب‌ها متمایز است. او اسلام آناتولی را یک اسلام متساهل و رومدار می‌داند. در اسلام آناتولی ایمان‌گرایی بیش از شریعت‌گرایی مورد توجه قرار می‌گیرد. بخشی از دلایل موفقیت گولن در ترکیه، آذربایجان و آسیای میانه را باید ذیل توجه بسیار او به قومیت ترکی تحلیل کرد. حزب عدالت و توسعه نیز روایتی جدید از ناسیونالیسم ترک ارائه داد که هم با قرائت‌های قبلی تفاوت‌هایی داشت و هم با تاریخ و جامعه ترکیه قرابت بیشتری می‌توانست داشته باشد. پذیرش تکثر هویتی و قومی در ترکیه و همین‌طور ارائه بسته راه‌حل دموکراتیک در سال ۲۰۰۹ در همین چارچوب بود. در عین حال اردوغان مدعی قرائتی دیگر از ناسیونالیسم ترکی است که رگه‌های قدرتمندی را از دوران عثمانی را حمل می‌کند (سیف‌الدینی، ۱۳۹۱).

۴-۱۱- تکیه به فعالیت‌های اقتصادی بعنوان زیر بنای کلیه امور

یکی از ارکان سه‌گانه‌ای که گولن با اتکا به آن توانست نیروهای زیادی را جذب نماید، بازار است. در این رابطه می‌توان اشاره کرد که مبانی اصلی اندیشه‌های گولن در بخش اقتصاد، اگرچه مشابه اندیشه‌های لیبرالیستی است؛ اما مستند به اسلام، قرآن، سنت و سیره پیامبر (ص) است. مصادف شدن جنبش گولن با فضای اصلاحات اقتصادی اوزالیسم، موجب رشد اقتصادی ترکیه و رشد جنبش گردید (نوروزی ۱۳۹۲: ۴۲). گولن آرزو داشته است که اسلام به نظام‌های اقتصادی و سیاسی بین‌المللی ملحق شود. در رابطه با فعالیت‌های اقتصادی گولن و طرفداران او باید اشاره کرد که این فعالیت‌ها از شرق ترکیه و با اتکا به اندیشه‌های وی آغاز شد و امروزه از چنان گستردگی و قابلیت برخوردار است که از آنها به «ببرهای آناتولی» یا «ببرهای سبز» یاد می‌شود. محصولات این گروه‌ها امروزه در مراکز مد جهانی به فروش می‌رسد. توجه بسیاری از مراکز تحقیقاتی اقتصادی جهان به «ببرهای آناتولی» نشان از اهمیت این نهادهای اقتصادی، در اقتصاد ترکیه و جهانی می‌دهد. موسسه ثبات اروپا ESI در سال ۲۰۰۵، بررسی گسترده‌ای از ببرهای آناتولی داشت. این گزارش با عنوان کالونیست‌های اسلامی به چاپ رسید (خیرخواهان، ۱۳۹۰: ۱۳۰). اردوغان نیز پس از انتخابات نوامبر ۲۰۰۲ م، اعلام کرد که اولویت او ثبات اقتصادی و عضویت در اتحادیه اروپا است و مسائل اجتماعی و در رأس آنها برنامه‌های مذهبی را کم‌اهمیت جلوه داد (سلیمانی و عبادی، ۱۳۹۵: ۱۰۹). در این

رابطه باتوجه به عملکرد حزب عدالت و توسعه می‌توان گفت، در یک دهه از حاکمیت حزب عدالت و توسعه در ترکیه تلاش شده است تا به منظور تحقق توسعه و رشد اقتصادی این کشور هنجارها و ارزش‌هایی که موجب تقویت و بالا رفتن قابلیت‌های حاکمیت در داخل می‌شود، نهادینه شود. با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه یک تحول جدی در اقتصاد این کشور ایجاد شد. فعال شدن دیپلماسی اقتصادی ترکیه در این دوره بطور مستقیم با تغییرات کلی رخ داده در اقتصاد این کشور پس از سال ۲۰۰۲ در ارتباط بوده است. هنگامی که حزب عدالت و توسعه به قدرت رسید ترکیه درگیر بحران اقتصادی شدیدی بود. بحران اقتصادی سال ۲۰۰۲ ترکیه همه بخش‌های جامعه اعم از فقیر، ثروتمند، افراد تحصیل کرده و تحصیل نکرده را در بر گرفته بود. افزایش هفتاد درصدی تورم، رشد پایین اقتصادی، سقوط قابل توجه درآمدها و افزایش چشمگیری بیکاری در سال ۲۰۰۱ اقتصاد این کشور را با بحران جدی مواجه ساخته بود. باتوجه به اینکه حزب عدالت و توسعه در مانیفست سال ۲۰۰۱ خود وعده اصلاحات در ساختار اقتصاد این کشور داده بود، هرگونه مقاومت در برابر اصلاحات در عرصه اقتصادی این کشور در هم شکسته شد و این حزب موفق شد تا در انتخابات سال ۲۰۰۲ به پیروزی قاطعی دست یابد (اقبال، ۱۳۹۳: ۴۳).

۴-۱۲- توجه به کشورهای همسایه

۴۹

گولن و اردوغان هر دو در عرصه سیاست خارجی معتقد به تنش‌زدایی به ویژه با همسایگان بوده‌اند. حزب عدالت و توسعه تحت تأثیر اندیشه‌های گولن با سیاست خارجی همگرایی و تنش صفر با همسایگان، درصدد است تا با برخی از همسایگان و نیز کشورهای عربی منطقه را ترمیم نماید (نوروزی فیروز، ۱۳۹۲: ۴۴). در صحنه سیاست بین‌المللی در دوره حزب عدالت و توسعه، ترکیه با شکستن حصارهای گذشته از سیاست بسته به سیاست باز روی آورده و حضوری قوی در صحنه سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی یافته است. عضویت در شورای امنیت سازمان ملل، ابتکار گفتگوی تمدن‌ها با اسپانیا، (با الگوگیری از گفتگوی تمدن‌های ایران) حضور در مناطق بحرانی در قالب ناتو و یا نیروهای سازمان ملل و مواردی از این قبیل، از جمله عواملی بوده که سبب ارتقای نقش ترکیه در سطح بین‌المللی در دوره حکومت حزب عدالت و توسعه گردیده است. در این دوره ترکیه در سیاست خارجی خود در کنار پیگیری پیوستن به اتحادیه اروپا با اتخاذ سیاست صفر نمودن مشکلات با همسایگان، در گام دوم سعی داشته است با انعقاد قراردادهای راهبردی با کشورهای منطقه، آنان را در قالب یک اتحادیه اقتصادی-سیاسی گردهم آورد. ترک‌ها در صحنه داخلی نیز با رویکرد دموکراتیک سعی داشته و دارند با انجام رفرم‌های وسیع سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در ترکیه تحولی وسیع و بنیادی ایجاد نمایند. تلاش برای حل معضل کردی، احقاق حقوق علویان و ... از جمله اهداف این رویکرد اصلاحی است. تجربه دموکراسی، وجود ساختار و سیستم سیاسی چون احزاب و گروه‌های مدنی، بستر

اجتماعی ترکیه را به سطحی از بلوغ سیاسی رسانده است که در سایه افزایش آستانه تحمل‌پذیری، تغییراتی که در بسیاری از جوامع دشوار و پرهزینه است در ترکیه با هزینه کمتر و با اعمال کنترل در حال انجام و یا پیگیری است (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۰ / ۳ / ۲۵). از نظر رجب طیب اردوغان رهبر حزب عدالت و توسعه، ترکیه تنها کشور خاورمیانه است که می‌تواند با مجموعه‌ای از کشورها مانند ایران، اسرائیل، آمریکا، اعراب و اروپا تعامل داشته باشد و این به منزله قدرت نرم ترکیه محسوب می‌شود که کمتر کشوری چنین پتانسیلی را داراست (امیدی و رضایی، ۱۳۹۰: ۲۴۴).

۵- اختلافات جریان گولن و اردوغان

بطور کلی در ترکیه می‌توان دو گروه اسلام‌گرایی را مشاهده کرد. اسلام اجتماعی در مقابل اسلام سیاسی. این دو گروه اسلام‌گرایی در ترکیه به‌رغم تشابهات زیاد که در گذشته به آن اشاره شد، دارای تمایزاتی است که جریان اسلام‌گرایی را در دو گروه متفاوت اسلام اجتماعی و اسلام سیاسی دسته‌بندی می‌کند.

۵-۱- سیاست‌های استقلال‌گرایانه اردوغان و مشارکتی گولن

جنبش گولن در واقع جنبشی سیاسی نیست، بلکه بیشتر صبغه جنبشی اجتماعی دارد که قصدش تغییر قلوب و اذهان افراد در جهت تساهل پر دامنه، مسئولیت اجتماعی و مدرن‌سازی از طریق دستاوردهای آموزشی است (فکری، ۱۳۹۲: ۹۶). نهضت گولن اساساً به ترویج علم و معرفت و تکنولوژی میان مسلمانان؛ توأم با تسامح و پذیرش تمام ادیان، دموکراسی قومی و لیبرالی تماماً در یکجا اعتقاد دارد. گولن درصدد بود با رواج دو اصل تساهل و گفتگو اسلام را مایه قوام و هم‌پیوندی عناصر گوناگون جامعه ترکیه سازد. به گمان گولن باید جنبه خصوصی دین را تقویت کرد اما حتی مقررات مربوط به زندگی خصوصی را نیز نباید تحمیل کرد. گولن دموکراسی را مناسب‌ترین شکل حکومت می‌داند و از همین‌رو تندروی‌های برخی حکومت‌های اسلامی را برنمی‌تابد. او همداستان با سعید نورسی بر آن است که فکر جمهوری با اصل مشورت در اسلام کاملاً همساز است. به گفته وی بهترین شکل رابطه دین و دولت در دوره عثمانی وجود داشت. در آن روزگار رهبران کشورها، قواعد اسلامی را محترم می‌شمردند و توده مردم با رهبران احساس همدلی می‌کردند. گولن از اسلام آناتولی صحبت می‌کند که اساس آن مدارا و منع تحمیل مقررات دینی و تعصب‌ورزی است. به باور او اسلام آناتولی با لائسیته راستین در تضاد نیست (انتخابی، ۱۳۹۲: ۳۲۲). به عقیده گولن مدارا و گفتگو کلید صلح و صفا در جامعه است. به گفته او «هیچکس حق ندارد دیگری را سبب تعلق دین یا خداشناسی محکوم کند». مدارا و گفتگو مفاهیمی جهانشمول هستند و شامل مسیحیان و یهودیان نیز می‌شوند. گولن از پیشاهنگان ادیان در ترکیه بود. رهیافت گولن در زمینه حقوق زنان و حجاب نیز با رهیافت اغلب گروه‌های اسلامی

متفاوت است. به عقیده او حجاب در اسلام امری فرعی است و نباید با دستاویز قرار دادن شیوه پوشش زنان سد راه پیشرفت آنان شد. مهم‌ترین وظیفه مسلمانان به گفته گولن دانش آموختن است. از همین رو آموزش و پرورش یکی از پهنه‌های اصلی فعالیت فتح‌اله‌چی‌ها در داخل و خارج ترکیه است (انتخابی، ۱۳۹۲: ۳۲۳-۳۲۴). بدین ترتیب یکی از مهمترین مولفه‌های گفتمان گولن پیوند اسلام و آموزش است. بر این مبنا، گولن در برابر اسلام‌گرایی سیاسی، اسلام‌گرایی آموزشی را مطرح می‌کند (کدیور، ۱۳۸۶: ۵۰). اسلام‌گرایی اردوغان قرائتی از اسلام در بستر سیاست و حکومت ترکیه است. بعد از اینکه حزب عدالت و توسعه قدرت را در ترکیه به دست گرفت، رهبران آن هرگز از وارد کردن شریعت اسلامی و حقوق اسلامی در داخل نظام قانونی این کشور حمایت نکردند؛ تنها بازتفسیری از سکولاریسم مدون در قانون اساسی ترکیه، در قالب روش اسلامی خوش‌خیمی انجام گرفت، اما به تدریج با تحکیم پایه‌های حزبی آ.ک.پ، اردوغان بطور فزاینده‌ای از بسترهای مذهبی و نمادهای اسلامی در تبلیغات سیاسی خود بهره گرفت (گل محمدی و دیگران، ۱۳۹۵: ۸۰). در گفتمان اسلام سیاسی اردوغان یکی از مفاهیم مطرح، مفهوم دولت موازی است که از اهمیت محوری در بازی‌های سیاست داخلی و خارجی اردوغان برخوردار است. این اصطلاح به فعالیت‌های جنبش یا جماعت گولن در ترکیه مربوط می‌شود که در کودتای نافرجام ژوئیه افسران میانی ارتش، از این جماعت بعنوان بازیگر اصلی کودتا در ترکیه اسم برده شد و در نتیجه آن، دولت حاکم به پاکسازی آنها از نهادهای مختلف نظامی، ۵۱ قضائی، امنیتی و آموزشی اقدام کرد. جماعت گولن مهمترین متحد اردوغان در تقابل با سکولارها و کمالیست‌ها قلمداد می‌شد، اما با شکل‌گیری شکاف‌های فکری در سیاست‌های داخلی و خارجی و فاش شدن موضوع فساد مالی نزدیکان اردوغان در دسامبر ۲۰۱۳ توسط نیروهای منسوب به جماعت گولن، روابط آنها به سردی و تنش گرایید. از آن پس، اردوغان موضوع تفحص و بررسی فساد مالی را بعنوان تلاش برای کودتا علیه دولت مستقر تعریف و جماعت گولن را به دلیل تلاش برای ایجاد دولتی موازی درون دولت حاکم محکوم کرد. وی همچنین بعد از این کودتا، از این جنبش بعنوان گروه تروریستی خطرناک یاد کرد و شروع به پاکسازی نهادهای سیاسی، مدنی، آموزشی، نظامی، قضائی و امنیتی از عناصر متنفذ این جنبش در ساختار سیاست و حکومت در ترکیه کرد (گل محمدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۹). اصطلاح دولت موازی برای هر مسئله و خرابکاری در ترکیه کاربرد داشته است؛ بگونه‌ای که حتی کسانی که هرگز با جماعت گولن مناسباتی نداشته‌اند، ممکن است در سایه برچسب دولت موازی مورد تفحص و تفتیش قرار گیرند (گل محمدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۹).

۵-۲- تمایلات پان‌ترکیستی و ملی‌گرایانه

فتح‌اله گولن بیشتر به پان‌ترکیزم علاقمند است، فعالیت‌هایش در ترویج زبان ترکی و ارتباط با کشورهای ترک زبان در کشورهای آسیای میانه، قفقاز، بالکان و برخی کشورهای آسیایی منجمله افغانستان متمرکز است. نظریه گولن بر این است که اقلیت‌های ترکی در کشورهای مثل چین، یونان و سایر کشورها نباید با اکثریت غیرترکی این کشور بجنگند که منجر به ضعف و انزوای‌شان شود، بلکه باید برای کسب علم تلاش کنند. گفتمان اسلام‌گرایی گولن مبلغ تفسیری معتدل و عرفانی از اسلام است که با صلح، دموکراسی، مدرنیته، اقتصاد بازار و علم کاملاً سازگار است. این گفتمان منتقد ادعاهای رایج اسلام‌گرایان سیاسی در جهان اسلام بوده و می‌باشد و مدل ترکی اسلام را نماینده اسلام حقیقی می‌داند. برخلاف اسلام‌گرایان سیاسی، به جای حکومت دینی و اجرای شریعت، از دموکراسی با رگه‌هایی از ناسیونالیسم ترکی دفاع می‌کند. این مدل از اسلام‌گرایی ریشه در تجربه تاریخی ترکیه دارد و با گفتمان سیاسی حزب عدالت و توسعه وارد قدرت شده است. رجب طیب اردوغان فرهنگ غرب در زیرسایه و تأثیر حرکت صهیونی را مورد نکوهش قرار داده و خواستار جدایی ترکیه از نظام و سلوک غربی می‌باشد. وی به وحدت امت اسلامی و نزدیکی ترکیه با کشورهای اسلامی و حتی ایران اهمیت می‌دهد. دستاوردهای حزب عدالت و توسعه بخصوص در عرصه اقتصاد در طی یک دهه محبوبیت وی را نزد ترک‌ها بسیار بالا برده است. علاقمندی اردوغان برای نزدیک شدن با جهان غرب در قدم دوم قرار دارد (سلیمی، ۱۳۹۵). لیکن جریان اسلامی گولن، سعی در سازش دادن اسلام و مدرنیته و با جدیت تمام در صدد جمع میان سنت و مدرنیته و تقابل با اندیشه انقلاب اسلامی ایران است.

۵۲

۵-۳- عدم سیاست‌ورزی گولن (اجتماعی بودن) و سیاسی عمل کردن اردوغان

گولن هدفی به نام تربیت مسلمان مدرن دارد که دارای اخلاق اسلامی و آموزشی در علم و دانش معاصر در جهت ایجاد جامعه مدرن باشد. این مجموعه چند هدف مهم دارد: ۱- آگاهی‌بخشی به مسلمین؛ ۲- تبیین رابطه بین علم و دین؛ ۳- تجدیدنظر در قرائت سنتی از اسلام با تربیت نسل ایمان، دانش، اخلاق، عشق، محبت، انسانیت، آرمان‌گرایی و از خودگذشتگی. در حالیکه شیوه حکمرانی، سخنرانی‌های حزبی، بازنمایی‌های رسانه‌ای و مطبوعاتی منسوب به رسانه‌های دولتی و تحلیل محتوای اظهارنظرهای رهبران آ.ک.پ به ویژه رجب طیب اردوغان، نشان می‌دهد فلسفه حکومت‌داری اردوغان گام در مسیری گذاشته که به دنبال تبدیل شدن به ایدئولوژی رسمی جدیدی مانند کمالیسم در سیاست و حکومت ترکیه است. اردوغان سعی در ایجاد و نهادینه ساختن ایدئولوژی که در برابر گفتمان کمالیسم و سکولاریسم قابل تعریف باشد به نام «اردوغانیسم» دارد.

۵-۴- استفاده ابزاری از دین اسلام (توسط اردوغان برای کسب آرا)

گولن بیشتر بر جنبه‌های عرفانی و مذهبی دین تاکید دارد و نقش دین در امور سیاسی را کم‌رنگ می‌بیند. گولن معتقد بود برای تغییر ماهیت نظام سیاسی ترکیه باید گام‌به‌گام و بی‌سرو صدا حرکت کرد. اما روش اردوغان، روشی عملگرایانه است و از کانال‌های حزبی و سیاسی برای فعالیت بهره برده است. اردوغان تلاش کرد سیاست نگاه به شرق را در سیاست سنتی نگاه به غرب ترکیه ادغام کند و از مزایای هر دوی آنها بهره گیرد خط‌مشی تنش‌زدایی در منطقه، گسترش روابط با کشورهای اسلامی است.

۵-۵- تفاوت در روش

یکی از روش‌های فعالیت گولیست‌ها روش‌های صوفی‌گری و درویشی است. به عقیده آنها از آنجا که درویشان آسیای میانه نقش مهمی در گستراندن اسلام در آسیای صغیر ایفا کرده‌اند اکنون نوبت آنان است که به رواج اسلام در این سرزمین‌ها یاری رسانند. گولن اغلب از دین اخلاقی ترکان آناتولی به آسیای میانه سخن می‌گوید (انتخابی، ۱۳۹۲: ۳۲۶-۳۲۵). اما روش اردوغان، روشی عملگرایانه است و از کانال‌های حزبی و سیاسی برای فعالیت بهره برده است. اردوغان با جریانی فکری و سیاسی به نام حزب عدالت و توسعه و در جریان انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۲ م، قدرت را به دست گرفته است. به قدرت رسیدن این جریان میانه‌رو، در حقیقت حاصل شکل‌گیری نوعی هنجار داخلی یا ملی در جامعه ترکیه مبتنی بر ارزش‌های مشترک در مورد تعریف رفتار مناسب در سطح جامعه است. اردوغان تلاش کرد سیاست نگاه به شرق را در سیاست سنتی نگاه به غرب ترکیه ادغام کند و از مزایای هر دوی آنها بهره گیرد خط‌مشی تنش‌زدایی در منطقه، گسترش روابط با کشورهای اسلامی است (دهقانی، ۱۳۹۱: ۲۶۶).

۵۳

۵-۶- محدودیت اردوغان و آزادی عمل گولن از نظر محدوده عمل

گولن هدفی به نام تربیت مسلمان مدرن دارد که دارای اخلاق اسلامی و آموزشی در علم و دانش معاصر در جهت ایجاد جامعه مدرن باشد. این مجموعه چند هدف مهم دارد: (۱) آگاهی‌بخشی به مسلمین؛ (۲) تبیین رابطه بین علم و دین؛ (۳) تجدیدنظر در قرائت سنتی از اسلام با تربیت نسل ایمان، دانش، اخلاق، عشق، محبت، انسانیت، آرمان‌گرایی و از خودگذشتگی. در حالیکه شیوه حکمرانی، سخنرانی‌های حزبی، بازنمایی‌های رسانه‌ای و مطبوعاتی منسوب به رسانه‌های دولتی و تحلیل محتوای اظهارنظرهای رهبران آ.ک.پ به ویژه رجب طیب اردوغان، نشان می‌دهد فلسفه حکومت‌داری اردوغان گام در مسیری گذاشته که به دنبال تبدیل شدن به ایدئولوژی رسمی جدیدی مانند کمالیسم در سیاست و حکومت ترکیه است. با وجود اینکه برخی از کارشناسان مسائل داخلی ترکیه، از آن بعنوان اسلام‌یسم یاد می‌کنند، اما وقوع چنین جریانی در ترکیه فقط

به ایده اسلام‌گرایی ختم نمی‌شود. اردوغان همانند سلف خود، مصطفی کمال آتاترک، با پیوند تمایلات و آمال خود به پادشاهها و سلاطین عثمانی، سعی در ایجاد و نهادینه ساختن ایدئولوژی منبعث از کیش شخصیتی که در برابر گفتمان کمالیسم و سکولاریسم قابل تعریف و «اردوغانیسم» خود دارد؛ ایدئولوژی‌شناسی است؛ ایدئولوژی که در سال‌های اخیر رشد و نمو پیدا کرده و اردوغان را به قدرتمندترین ترک بعد از آتاترک تبدیل کرده است (گل محمدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۵). باید توجه داشت که از سال ۲۰۱۳، دامنه اختلافات میان فتح‌اله گولن و اردوغان روزافزون گردید و در نهایت گولن اجباراً به ترک ترکیه و به تبعیدی اختیاری در پنسیلوانیای آمریکا مبادرت نمود و اردوغان نیز به سرکوب این جنبش در داخل ترکیه اقدام نمود و در دو سال اخیر نیز اقدامات وسیعی در راستای پاکسازی نیروهای گولنیستی در ساختار قضایی و اطلاعاتی ترکیه انجام داد و صدها نفر به جرم همکاری با جریانی زیرزمینی در درون دولت دستگیر شده بودند. یک هفته پیش از وقوع کودتا تعدادی از افسران ارتش وابسته به گولن تحت بازداشت قرار گرفتند. در واقع چنین اقداماتی، شاخه نظامی گولن را متوجه کرده است که با کودتا یا بدون کودتا در هر حال، سرکوب و ریشه‌کن خواهد شد و این جریان را بر آن داشت تا با پیش چشم گرفتن تمام ریسک‌های پیروزی یا شکست کودتای خود دست بکار شود. بنابراین طی یک اقدام متهورانه دست به کودتا زدند. جریان گولن در ارتش در شکل یک هسته مخفیانه با نام کمیته صلح در جهان در حال مدیریت اوضاع بود و کودتا توسط این هسته طراحی مدیریت و اجرا شده است (بصیری و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۳-۵۲). اردوغان و حزب عدالت و توسعه از طریق سلسله اقدامات همچون محدود کردن نقش ارتش در شورای امنیت ملی، منحل شدن سازمان ارگنه‌کن، اصلاحات قانون اساسی در سال ۲۰۱۱ م، و سلب مصونیت‌های ارتش، اصلاح ماده ۳۵ قانون اساسی در سال ۲۰۱۳ م و عدول حزب اعتدال و توسعه از ارزش‌های کمالیستی و سرکوب جنبش گولن باعث شد تا در این کشور در ۱۵ جولای ۲۰۱۶ م، تعدادی از افسران ارتش دست به کودتای نظامی بزند ولی به دلیل عدم حمایت مردم و احزاب مخالف اردوغان از کودتاگران، حمایت بخش‌های عمده‌ای از جامعه به ویژه اقشار مذهبی و حاشیه‌نشین از اردوغان، نقش رسانه‌های تصویری خصوصی که پیام اردوغان را به مردم برای دفاع از دولت منعکس می‌کرد و نقش برجسته نیروهای سه‌گانه مسلح حامی دولت که در کودتا مشارکت نکرده بودند، باعث شکست کودتا شد (همان، ۶۱).

نتیجه‌گیری

در این مقاله دریافتیم علیرغم اقدامات اسلام‌ستیزانه کمالیست‌های لائیک در ترکیه، در دوران اخیر شاهد رشد اسلام‌گرایی در این کشور بوده‌ایم و این مسأله از عوامل مختلفی تأثیر پذیرفته است. با رشد جریان اسلام‌گرا در ترکیه دو شاخه اصلی جریان اسلام اجتماعی گولیسیم و اسلام سیاسی اردوغانیسم سربرآوردند. اندیشه‌های گولن از سعید نوری و اندیشه‌های اردوغان نیز از اربکان تأثیر پذیرفته است. فعالیت نوری از طریق فعالیت آموزشی بود. فرق این جماعت‌ها با جریان اسلام‌گرای سیاسی به رهبری اربکان این بود که این جماعت‌ها بطور مستقیم فعالیت سیاسی نمی‌کردند. عنوان‌شان نیز عنوان «اسلام اجتماعی» بود. اما اربکان در ترکیه با فعالیتی تشکیلاتی فعالیت خود را آغاز کرد. اربکان «نظم عادلانه» را بعنوان رقیبی علیه کاپیتالیسم و امپریالیسم به رهبری آمریکا اعلام نمود. بدین ترتیب می‌بینیم که خروجی و برون‌داد روش نوری با تأکید بر راهبردهای صوفی‌گری و اسلام آموزشی، اسلام اجتماعی گولن و خروجی روش و تفکر اربکان با تأکید بر فعالیت تشکیلاتی و حزبی با سیاست تنش‌زدایانه در نظام بین‌الملل اسلام سیاسی اردوغان بوده است. این دو جریان با وجود تشابهات دارای تمایزاتی در روش فعالیت و عملکرد بوده که در نهایت این دو را در تقابل با هم قرار داد. از جمله بنیادهای اندیشه‌ای جنبش فتح‌اله گولن این است که دشمنان امت اسلامی را جهل، فقر و تفرقه و راه مقابله با آنها را دانش، کوشش و اتحاد می‌داند. گولن معتقد به ترویج ۵۵ اسلام از سطح فردی به سطح اجتماعی و با استفاده از شیوه پایین به بالا می‌باشد. حزب عدالت و توسعه خود را «حزب دموکراتیک محافظه‌کار» معرفی می‌کند. این حزب، معتقد به رعایت اصول اسلامی به صورت فردی است و اسلام را با سکولاریسم متضاد نمی‌داند. اسلام سیاسی اردوغان نیز درصدد بوده است، تعریف جدیدی از همزیستی عملی اسلام و تجدد در جامعه ترکیه ارائه دهد. آنچه که می‌توان بطور قاطع عنوان نمود تأثیرپذیری چندگانه اردوغان می‌باشد زیرا در تمامی افکار او رگه‌هایی از اندیشه‌های گولن، اربکان، نوری و ... وجود دارد و عرصه عملگرایی او نیز بخوبی نشانگر این مهم می‌باشد. ایشان سعی کرده با تلفیقی مناسب از دیدگاه اندیشمندان ترک، حزب خود را از لحاظ ایدئولوژیک غنی نماید. باتوجه به نکات ذکر شده می‌توان بیان داشت انتخاب دو دیدگاه از اسلام، می‌تواند نتایج مهم و اثرگذاری در جامعه ترکیه و منطقه داشته باشد، لذا باید شناخت و تحلیل دقیقی و منطقی از دیدگاه‌های آنها داشته باشیم.

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- افضل‌ی، رسول و متقی، افشین (۱۳۹۰)، «بررسی و تبیین ژئوپلیتیکی اسلام‌گرایی اعتدالی در سیاست خارجی ترکیه از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۱، با رویکرد سازه‌نگاری»، فصلنامه روابط خارجی، دوره ۳، ش ۴.
- ۲- اقبال، اسماعیل (۱۳۹۲)، درونی‌سازی هنجارهای بین‌المللی توسط حزب عدالت و توسعه، تهران: پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- ۳- اقبال، اسماعیل (۱۳۹۳)، «تحلیل مولفه‌های قدرت نرم ترکیه (۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲)»، دوفصلنامه قدرت نرم، س ۴، ش ۱۱.
- ۴- امام جمعه‌زاده، سیدجواد و قاضی، محمودرضا (۱۳۹۲)، «گفتمان هویت در ترکیه از کمالیسم به اسلام‌گرایی با تأکید بر حزب عدالت و توسعه»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۱، ش ۳.
- ۵- انتخابی، نادر (۱۳۹۲)، دین، دولت و تجدد، تهران: نشر هرمس.
- ۶- جلالی، رضا (۱۳۹۱)، «چشم‌انداز روابط ارتش ترکیه و حزب عدالت و توسعه»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۵، ش ۱۸.
- ۷- خیرخواهان، جعفر (۱۳۹۰)، «ببرهای آناتولی: همزیستی اسلام ترکی با نظام بازار آزاد: موردکاوی جنبش فتح‌اله گولن»، مجله چشم‌انداز ایران، ش ۶۷.
- ۸- دهقانی، رضا (۱۳۹۱)، «سیاست خارجی ترکیه در فرآیند عثمانی‌گری و نوخلاف‌ت اسلامی»، مطالعات سیاسی- اجتماعی جهان، دوره ۲، ش ۲.
- ۹- سلیمانی، غلامعلی و عبادی، بهزاد (۱۳۹۴)، «حزب عدالت و توسعه: شکاف‌های اجتماعی و میانجیگری سیاسی»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، س ۵، ش ۲.
- ۱۰- سلیمانی، غلامعلی و عبادی، بهزاد (۱۳۹۵)، «زمینه‌های ظهور و تحول احزاب سیاسی اسلام‌گرا در ترکیه»، مطالعات خاورمیانه، ش ۸۳.
- ۱۱- سلیمی، شاپور (۱۳۹۵)، «معمای جنبش خدمت، فتح‌اله گولن در ترکیه»، گزارش کنج قلندری.
- ۱۲- سنایی، اردشیر (۱۳۸۹)، «چارچوبی تحلیلی برای بررسی روابط ترکیه و اسرائیل پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه ۲۰۱۰-۲۰۰۲»، فصلنامه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل.
- ۱۳- سیف‌الدینی، سالار (۱۳۹۱)، «نوکمالیسم در برابر نوع‌ثمانی‌گری؛ آینده سیاسی ترکیه»، مرکز مطالعات بین‌المللی صلح.
- ۱۴- صبری، محسن و صولت، رضا (۱۳۹۱)، «سیاست خارجی ترکیه در قبال اتحادیه اروپا: از همگرایی دویچ به سازه‌نگاری ونت»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، ش ۶۹.

- ۱۵- عطایی، فرهاد و دیگران (۱۳۹۱)، «سیاست خارجی دولت ترکیه «عدالت و توسعه» در منطقه قفقاز جنوبی»، فصلنامه راهبرد، س ۲۱، ش ۶۳.
- ۱۶- فکری، محمد و دیگران (۱۳۹۲)، «بررسی جامعه‌شناسی جنبش فتح‌اله گولن بر مبنای نظریه بسیج منابع»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۷، ش ۳.
- ۱۷- فلاح، رحمت‌اله (۱۳۸۹)، «ماهیت‌شناسی جنبش اسلامی فتح‌اله گولن در ترکیه»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، س ۱۱، ش ۴۳.
- ۱۸- فلاحت‌پیشه، صفر و ولدبیگی، حشمت‌اله (۱۳۹۲)، «آثار فکری گولنیسم و جنبش نور در سیاست و حکومت ترکیه»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، س ۲، ش ۶.
- ۱۹- قهرمان‌پور، رحمان (۱۳۸۹)، سلسله تحلیل‌هایی در مورد تحولات سیاسی در ترکیه، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعاتی استراتژیک در خاورمیانه.
- ۲۰- کدیور، محمدعلی (۱۳۸۶)، «پدر نسل طلایی: جنبش آموزشی فتح‌اله گولن در ترکیه»، نشریه شهروند امروز، ش ۳۹.
- ۲۱- گل‌محمدی، سید ولی و دیگران (۱۳۹۵)، «اردوغانیسم و فهم سیاست خاورمیانه‌ای ترکیه»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۷۰.
- ۲۲- گلی زواره، غلامرضا (۱۳۷۷)، سرزمین‌های اسلام: شناخت کشورهای اسلامی و نواحی مسلمان‌نشین، قم: تبلیغات اسلامی قم.
- ۲۳- نکویی، سید احمد و موسوی، هادی (۱۳۹۳)، «جنبش گولن و عملکرد آن در جمهوری آذربایجان از منظر نظریه بسیج منابع و تعهد اجتماعی»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۸۸.
- ۲۴- نوازی، بهرام و دیگران (۱۳۹۳)، «فتح‌اله گولن و جنبش اجتماعی سیاسی وی در ترکیه»، فصلنامه مطالعات-سیاسی جهان اسلام، س ۳، ش ۱۰.
- ۲۵- نورالدین، محمد (۱۳۸۲)، ترکیه: جمهوری سرگردان، تهران: موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- ۲۶- نوروزی فیروز، رسول (۱۳۹۲)، «فراز و فرود جریان‌های اسلامی در ترکیه معاصر و نسبت آن با انقلاب اسلامی»، پژوهش منطقه‌ای، ش ۲.
- ۲۷- نوروزی، فیروز (۱۳۹۱)، «اسلام ترکی تقابل با اسلام انقلابی (مروری بر اندیشه‌های فتح‌اله گولن)»، رهیافت انقلاب اسلامی، ش ۱۹.
- ۲۸- واحدی، الیاس (۱۳۸۴)، آسیا (ویژه مسائل ترکیه)، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی.

لاتین:

- 29- Cizre, Sakallioğlu (1997). The Anatomy of the Turkish Military's Political Autonomy, *Comparative Politics*.
- 30- Keskin, Tugrul (2009). A Comparative Analysis of Islamist Movements in the Neoliberalization Process: Jama'at-e- Islami in Pakistan and the Fethullah Gulen Movement in Turkey – Reactions to Capitalism, Modernity and Secularism, Submitted to the Faculty of Virginia Polytechnic Institute and State University in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy in Sociology.
- 31- Mardin, S (1973). Center-Periphery Relations. A Key to Turkish Politics?, Daedalus.
- 32- Rabasa, and Larabee, the rise of political islam in turkey, 2008.
- 33- Rabasa, Angel and Larabee .F. Stephen (2008). *The Rise of Political Islam in Turkey*, U.S.A: RAND Corporation

